

خادمین در کلیسا



خادمین در کلیسا

توضیح مینیاتور روی جلد:

این مینیاتور به سال ۱۲۲۰ میلادی توسط راهبی در بین النهرین
جهت کتاب انجیل به زبان آرامی نقاشی شده است.

این سؤال را از خودمان بپرسیم که چه چیزی باعث می شود در چنین شرایط دشواری اسقفی را که تابعیت بیگانه دارد بپذیریم؟ کشیشان ایرانی کلیسای ما در تهران چه کسانی هستند که بتوان اسقف را از میان آنان انتخاب نمود؟ با شگفتی واقعیتی را متوجه می شویم که در کلیسای محلی ما هیچ کشیش آشوری و کلدانی که ملیت ایرانی داشته باشد وجود ندارد.

دلایل چنین وضعی چیست؟

آیا خدا قوم خود در تهران را فراموش کرده است؟

البته خدا کسانی را دعوت به خدمت می کند اما کیست که با گوش شنوا این دعوت را شنیده از قید و بند آزاد شده به آن پاسخ دهد؟ آری، ضرورت دارد که درباره اهمیت خادمین در کلیسای ما، وظایفشان و زندگیشان بیندیشیم و نیز درباره این راز که خدا می خواهد محتاج انسانهایی باشد تا کلیسایش در سرزمین ما به زندگی خود ادامه دهد تعمق کنیم.

در همین راستا کانون یوحنا رسول کتابچه هایی در رابطه با این سؤالات، از آسان گرفته تا مشکل به شما ارائه می دهد که هر کس طبق امکانات و احتیاجاتش انتخاب خواهد نمود. این کتابچه ها تحت عنوان کلی «اسقف» و در دو جلد ارائه شده اند که عبارتند از «قسمت اول: اسقف، شبان کلیسای ما» و «قسمت دوم: اسقف جهت انجام ماموریتش انتخاب و تقدیس شده است». امیدواریم بدین طریق بتوانیم با آگاه نمودن وجدان عمومی در جهت پذیرش و تعلیم خادمین از سوی کلیسای

خادمین در کلیسا

پیشگفتار

اخيراً در کلیسای ما صحبت زیادی درباره انتخاب اسقف جدید برای شهر تهران می شود. طبیعتاً سؤالاتی مطرح می شود از جمله: این اسقف کیست؟ چه کسی او را برگزیده؟ چه زمانی کارش را شروع خواهد کرد؟ آیا می تواند چنین وظیفه سنگینی را بر عهده بگیرد؟ آیا اسقف قبلی باز اسقف است؟

باز می شود سؤالات دیگری را مطرح کرد:

از نظر ایمانی اسقف چه کسی است؟

مسئولیتش در کلیسای ما چیست؟

چگونه یک شخص می تواند چنین وظیفه سنگینی را بر دوش گیرد؟

مسئولیت ما در قبال وی، بنابراین مسئولیت کلیسا به خاطر داشتن

چنین خادمی چیست؟

بعضی ها اظهار نگرانی نموده اند چرا که اسقف جدید تابعیت ایرانی

ندارد بنابراین انجام چنین وظیفه ای در چنین شرایطی برای وی دشوار

می نماید.

خادمین قوم خدا

اسقفان، کشیشان، شماسان

مقدمه

ابتدا به چند نکته مقدماتی می پردازیم که کمک خواهند نمود تا افکار ما روشن تر گشته و حیات کلیسای خود را بهتر درک نماییم.

۱- کلیسایی که عیسی تأسیس نمود:

می دانیم که عیسی چگونه کلام خدا را اعلام نمود و چگونه شاگردان را جمع کرد. از میان ایشان گروه هفتاد و دو شاگرد را انتخاب و پیشاپیش خود فرستاد تا ملکوت خدا را اعلام نمایند. اما به ویژه از میان ایشان دوازده نفر را برگزید و آنان را رسول نامید و حضرت پطرس مسئولیتی خاص در بطن این گروه برعهده پذیرفت. عیسی این دوازده رسول را ستونهایی قرار داد که بر ایشان کلیسای خود را بنا نهاد و نیز مسئولیت گردآوری قوم جدید خدا با قدرت روح القدس را به ایشان سپرد، همانطور که قوم قدیم خدا بر دوازده فرزند یعقوب (پیدایش ۴۹) بنا نهاده شده بود. اینک به نکاتی چند دقت کنیم که بعداً بیشتر مطالعه خواهیم نمود:

ما همکاری نماییم، خادمینی که کلیسا احتیاج می‌رمد به آنان دارد. این کتابچه بخشی از کتاب «خدا زنده است» را به شما تقدیم می‌کند، کتابی که امسال چاپ خواهد شد و دیدی کلی بر ایمان سپرده شده به کلیسا و تعلیم داده شده از سوی آن ارائه خواهد داد. یقیناً در چنین کتابچه کوچکی نمی‌توان به همه سؤالات پاسخ داد و نه همه چیز را که بایستی گفت بیان نمود. در اینجا تلاش می‌کنیم تا ایمانمان را درباره راز خادمین کلیسای خود تصریح نموده و تعمق بخشیم. خوانندگان خود را جهت مطالعه بیشتر به سایر کتابچه‌ها و جزواتی که در این باره منتشر شده اند رجوع می‌دهیم.

این مسئولین جدید در عهد جدید به نامهای مختلف خوانده شده اند: «کشیشان» بیشتر در کلیساهایی که از یهودیت نشأت گرفتند به کار می رفت (اول تیموتاوس ۴:۱۴، ۵:۱۷؛ تیطس ۱:۵؛ یعقوب ۵:۱۴؛ اعمال ۱۴:۲۳، ۲۰:۱۷) و «اسقف» (فیلیپیان ۱:۱؛ اول تیموتاوس ۳:۱-۷؛ تیطس ۱:۷) به معنای «ناظر» در کلیساهایی که در دنیای یونانی زبان تأسیس شدند. به نظر می رسد که این دو واژه در زمان اولیه کلیسا مترادف بودند ولی خیلی زود کار و اختیارات اسقف از گروه «کشیشان» که همکاران وی می باشند مشخص و تفکیک گردید. چند سال بعد از درگذشت آخرین رسول، قدیس ایگناتیوس انطاکیه رسالت اسقف و کشیشان را در بطن کلیسای محلی بر حسب تقسیم مسئولیتهایی که امروزه ما در کلیساهای قدیمی رسولی می شناسیم، برای ما تشریح می کند.

۲- کلیسا قوم کاهنان

در قوم خدا همه، کشیشان شرکت کننده در قربانی مقدس می باشند. همه، خادمین برادرانشان می باشند که عطایا و فیض هایی را از خدا برای بنیاد کلیسا دریافت نموده اند و این همان کهنات عمومی تعمیر یافتگان است. در بطن این قوم و برای خدمت آن، خادمینی وجود دارند که به گونه ای خاص تقدیس شده اند. لزوم این تقدیس خاص چیست؟ کلیسا مقدس است: برای جمع کردن کلیسا در اتحاد با مسیح، می بایست خادمینی وجود داشته باشند که روح القدس را به خاطر این وظیفه خاص

هیچ شاگرد عیسی نمی تواند تنها باقی بماند. کلیسایی که عیسی بنا نهاد سازماندهی نیز به آن عطا نمود و مسئولیتهای را بین اشخاصی که خود برگزید تقسیم نمود. این شاگردان نبودند که چنین سازماندهی به خود دادند بلکه کلیسا عطیه خداست و بایستی آن را در فروتنی و وفاداری پذیرفت. خادمینی که عیسی انتخاب نمود یک گروه را تشکیل می دهند. هیچ یک از آنان نمی تواند جدا از گروه و جدا از کلیسایی که برای آن تعیین شده عمل کند.

بالاخره هیچ کس نمی تواند خودش را مسئول تعیین کند بدون اینکه خود شخص عیسی وی را برای چنین مسئولیتی انتخاب و تقدیس نماید بنا بر این بایستی توسط رسولان و جانشینان عیسی انتخاب گردد.

زمانی که عیسی به آسمان صعود نمود به همراه روح القدس مأموریتی به رسولان عطا فرمود. اما زمانی که رسولان سنشان بالا رفت و احساس نمودند که لحظه عزیمتشان فرارسیده شاگردان را بدون کلیسایی دارای ساختار منظم و سلسله مراتب و بر حسب الگوی عطا شده توسط عیسی رها ننمودند. بر حسب آیینی بسیار قدیمی، رسولان دستهای خود را بر کسانی نهادند که برای ادامه وظیفه شان انتخاب نموده بودند. در این باره نگاهی بیاندازیم به واژگان عهد جدید و تکامل آن که گویای شیوه ای است که چگونه روح القدس کلیسا را پس از نسل اول رسولان هدایت نمود و آن را طوری سازماندهی کرد تا بتواند در طی زمان، رسالتی را که عیسی به آن سپرده به انجام رساند.

باشند، کشیش با اسقف و کشیشان حوزه کلیسای خود و اسقف با پاتریارک خود و جمع اسقفانی که با دستگذاری به آنها ملحق شده است. اما موضوعی که ممکن است ما را متعجب نماید این است که اسقف نمی تواند به تنهایی و بدون مشورت کشیشان همکار خود عمل کند و پاتریارک نیز نباید از گفتگو و مشورت با اسقفان مجمع خود اجتناب ورزد. همه بایستی اراده خدا را جستجو نمایند. بنابراین باید با توافق با برادران نشان برای روشن شدن این مطلب عمل کنند.

به خاطر آوریم که فقط سه مقام خادمین دستگذاری شده وجود دارد. شماسانی که ما معمولاً می شناسیم جزو آنها نیستند، گرچه خدمت آنان طبق تعمیدشان برای جامعه کاملاً مفید است. علاوه بر این دقت کنیم که حضرت پاپ یک مقام خاص دیگر نیست و توسط راز ویژه ای تقدیس نشده بلکه به عنوان اسقف عضو جماعت اسقفان است. اما اسقف رم، جانشین حضرت پولس و پطرس و وظیفه اسقف اعظم ایتالیا و کار پاتریارک کلیسای غرب و سرپرستی تمام کلیساهای متحد با کلیسای حضرت پولس و پطرس را به عنوان حضرت پاپ، انجام می دهد.

پس تمام مسئولیت ها در کلیسا جنبه مشارکتی دارند یا اگر بخواهیم کلمه دقیق تری به کار ببریم باید بگوییم یک جنبه مجمعی دارند زیرا هر کلیسا یک مشارکت است. خادمین برطبق تصویری که حضرت پولس در نامه به کولسیان (۱۹:۲) به کار می برد، مانند «بندها و مفصل ها» در خدمت وحدت کل بدن می باشند.

دریافت نمایند. بدین ترتیب کلیسا رسولی است، کلیسایی که عیسی مسیح با انتخاب رسولانش آن را بنا نهاد، رسولانی که بعداً بر اسقفان جانشین شان دست می گذارند تا آنان روح القدس را بیابند و بتوانند وظیفه خود را در کلیسا ادامه بدهند تا زمانی که خداوند، یگانه شبان بازگردد.

۳- خادمین گوناگون

در عنوان این متن اصطلاحاتی بکار بردیم که احتیاج به توضیح دارند.

ما از اسقفان، کشیشان و شماسان صحبت نمودیم: این دو گروه آخر همکاران اسقفان می باشند: هیچ اسقفی به تنهایی نمی تواند وظیفه سنگین خود را به انجام برساند. از طرفی دیگر، این وظیفه کار یک انسان جدا از دیگران نیست. اسقف احتیاج به همکارانی دارد تا مطلع شده، تفکر نموده و اراده خدا را تشخیص نماید. کشیشان و سپس شماسان اولین همکاران اسقفان می باشند. اسقفان کمال کهانت شبانی را دریافت نموده اند و دو گروه آخر تنها شراکتی در آن یافته اند تا بتوانند وظایف خاص خودشان را انجام دهند.

ما درباره مقام اسقفان، همانند مقام کشیشان یا شماسان صحبت نمودیم. به خاطر اینکه در کلیسا هیچکس نمی تواند به تنهایی یا مستقلاً و طبق توهمات فردی به دیگران خدمت کند. زیرا کلیسا مشارکت است و کسانی که به آن خدمت می کنند بایستی در مشارکت با یکدیگر

کلیسای محلی که برای خدمت در آن تعیین شده دستگذاری نمی شود. اگر طی مراسم دستگذاری اسقف جدید، جماعت مسیحی به سئوالی که از آن کرده می شود پاسخ دهد «او شایسته نیست»، دستگذاری لغو می شود و شخص دیگری توسط مجمع اسقفان انتخاب می گردد... همینطور قبل از دستگذاری یک نفر به عنوان کشیش، از جماعت نظرخواهی می شود. این کارگزاران به اسم عیسی مسیح خادمین جامعه ای هستند که حق اظهار نظر درباره انتصابشان را دارد. در اینجا نکاتی چند در مورد سازماندهی، رسالت و راز کلیسای محلی بیان می شود.

کلیسای محلی به مجموعه جماعت‌های مسیحی یک منطقه مشخص که به دور اسقف‌های این منطقه گرد آمده اند، گفته می شود. این نامگذاری به دو معنی است:

۱- در مفهوم دقیق و سنتی کلمه، کلیسای محلی یک مجمع شکرگزاری است که دور اسقف خود در یک محل خاص گرد آمده. اسقف ضامن وفاداری این جامعه نسبت به تمامیت ایمان رسولی است. تقدیس اسقف توسط دو یا سه اسقف دیگر، نشانه ای قابل رؤیت است بدین معنی که سایر کلیساهای محلی، ایمان رسولی اسقف جدید و کلیسایی را که به او سپرده شده تأیید می کنند. این کلیسای محلی در واقع همان کلیسای جامع (کاتولیک) در این محل می باشد (رجوع شود به قدیس ایگناتیوس انطاکیه^۱ که می گوید: «جایی که اسقف

۱- قدیس ایگناتیوس در سال ۱۰۷ میلادی به هنگام شهادت پالیکارپ اسقف شهر انطاکیه بود.

۴- خادمین جانهای تعمیر یافتگان

از خادمین قوم خدا صحبت نمودیم. این بدان معنا نیست که خادمین نباید به کسانی که هنوز توسط تعمیر عضو کلیسا نشده اند خدمت نمایند. بلکه بر عکس در حالی که مسئولیت جمع آوری قوم مقدس را دارند همانند رسولان در مرحله اول مسئولیت اعلام کلام خداوند و تربیت گروندگان جدید بر دوششان می باشد تا آنها را آماده تعمیدی نمایند که خود خادمین مسئولیت اجرای آن را به نام خداوند به عهده دارند.

«در میان وظایف اسقفان، بشارت انجیل جای اول را دارد. اسقفان در واقع منادیان ایمان می باشند که شاگردان جدید را به سوی مسیح می آورند» (مجمع اسقفان واتیکان دوم، نور ملل، شماره ۲۵). به همین دلیل است که به هنگام دستگذاری اسقف، اجرا کنندگان مراسم که سه اسقف می باشند انجیل گشوده را بر شانه های اسقف جدید می نهند. اسقفان همانند همکارانشان ابتدا در خدمت رسالت کلیسا می باشند، تا هر یک بتواند مسئولیت خویش را تحت هدایت شبانانی که خدا تقدیس نموده انجام دهد.

الف) خادمین کلیسا: سازماندهی کلیسای محلی

خادمین کلیسا چه اسقف باشند چه کشیش یا شماس، همگی دستگذاری شده اند که در خدمت کلیسا باشند. طبق یک سنت قدیمی که هنوز هم در بعضی کلیساها رایج است هیچ اسقفی بدون رضایت

کلیساهایی با منشاء، زبان و آیین متفاوت به چشم می‌خورد، برخی از آنها به اتحادیه کلیساهای بیزانس، سریانی، ارمنی یا قبطی تعلق دارند که ممکن است تعدادی از آنها با کلیسای رم متحد باشند. برخی دیگر منشاء غربی دارند. در این حالت برای این کلیساهای غالباً مشکل است که در میان یک ملت یا در یک منطقه کلیسای محلی را تشکیل بدهند. با وجود این تحت عملکرد روح القدس، نزدیکی‌هایی به وقوع می‌پیوندد و با همکاری واقعی می‌توانند متفقاً انجیل را بشارت دهند. در این جهت است که سازمانهایی نظیر شوراهای کلیساهای یا مجامع مسئولین کلیسای محلی به اسقفان و سایر مسئولین کمک می‌نمایند تا با هم کار کرده و موقعیت‌های روزمره و خارق‌العاده بی‌شماری را پدید می‌آورد که ایمانداران را به یکدیگر نزدیک کرده آنان را ترغیب می‌کند تا همگی با هم شاهدان مسیح باشند. هدف غائی که در صبر و احترام می‌توان به آن نائل شد عبارت است از تشکیل یک کلیسای محلی حول محور اسقف‌های خود، با تنوع سنت‌ها در آیین عبادتی، الهیاتی و روحانی. هم‌و غم کلیسای محلی قبل از هر چیز بشارت یکتا انجیل مسیح به همه انسانها می‌باشد، البته به صورت منطبق با فرهنگی که به آن واگذار شده است.

یادآوری کنیم که در این سرزمین همانند هر جای دیگر وظیفه اولیه هر تعمید یافته و هر کلیسا در واقع بشارت انجیل می‌باشد. برای این منظور کلیسای محلی باید عمیقاً با «افراد، گرایشها، ثروت‌ها و محدودیت‌ها، شیوه‌های نیایشی، دوستی، چگونگی برداشت از زندگی و

هست همانا کلیسای کاتولیک^۲ نیز وجود دارد». ۲- در مفهوم وسیع‌تر، عبارت کلیسای محلی به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود متشکل از چندین حوزه اسقفی که غالباً مسئولیت فرهنگی و ملی یک منطقه را بر عهده دارند. با توجه به این مسئولیت مشترک نسبت به فرهنگی خاص، اسقف‌های مربوطه در شوراها یا مجامع عمومی گرد هم می‌آیند. حدود قلمروها بسیار متفاوت است، حوزه مطران‌ها یا اسقفان اعظم چندین حوزه اسقفی را در وحدت گرد می‌آورند و حوزه‌های پاتریارکی چندین حوزه اسقفان اعظم منطقه‌ای را شامل می‌شوند و در طول تاریخ طوری رشد نموده‌اند که اجازه می‌دهند گرد همایی‌ها در شوراها و مجمع‌های عمومی بهتر به مورد اجرا گذاشته بنابرین، اتحاد تحقق می‌پذیرد. اما عنصر اساسی و تشکیل دهنده کلیسای محلی، همان حوزه‌های اسقفی است که نشانه تمامیت کلیسا در یک محل است (البته به شرط اینکه با کلیساهای دیگر در مشارکت باشد).

در بسیاری از مناطق دنیا، شرایط تاریخی موقعیت مخصوصی را ایجاد کرده‌اند. در میان برخی ملت‌ها یا مناطق، در مکانی واحد

۲- کلمه «کاتولیک» (جامع) از لغت یونانی Catholon به معنای «برحسب همه چیز»، «در تمامیت خود» گرفته شده است. کلیسایی که تمام اعضای آن ارتدکس باشند «کاتولیک» نامیده می‌شود چون در این صورت کلیسا خود را با تمامیت بدن مسیح همانند می‌داند و به همین دلیل است که در قانون ایمان می‌گوییم: «من ایمان دارم به کلیسای واحد، مقدس، جامع و رسولی.» از زمان انشقاق تاکنون کلمه کاتولیک در زبان عامیانه غالباً برای مشخص کردن کلیسای کاتولیک روم و کلمه ارتدکس برای مشخص نمودن مجموعه کلیساهای بیزانس به کار می‌رود.

مثال زنده‌ای از آن کسانی را می‌بینیم که بر نسلی که بعد از رسولان یعنی نسل «پدران رسولی» می‌آید نام اسقف را خواهد نهاد.

اگر ما راز کلیسا را خوب درک و لمس نمودیم، بهتر می‌توانیم بفهمیم که چرا عهدجدید به گروه رسولان و اسقفان که جانشینان آنها می‌باشند این چنین اهمیت می‌دهد. کلیسا، مقدس و راز نجاتی است که پسر خدا آن را به دنیا آورد. کلیسا، عروس عیسی مسیح یگانه داماد است که آن را تطهیر و بازخرید نمود. از زمان صعود، داماد دیگر به طور مرئی حاضر نیست با این حال عروس یعنی کلیسا بیوه‌ای محزون نیست بلکه مملو از روح القدس حضور اسرارآمیز داماد را در نشانه‌هایی که به آن داده شده باز می‌شناسد در حالیکه در انتظار مسرت‌آمیز بازگشت پرجلال داماد به سر می‌برد. کلیسا در میان این نشانه، با ایمان در شخص تقدیس شده اسقف، داماد الهی را باز می‌شناسد که آن را در وحدت گرد آورده و به سوی اتحاد کامل هدایت می‌کند. در واقع رسولان و سپس اسقفان این مسئولیت خطیر را پذیرفته‌اند تا راز حضور اسرارآمیز عیسی نزد عروسش^۳ باشند.

کلیسا یک اختراع انسانی نیست بلکه عطیه خدا می‌باشد و بایستی

۳- حال می‌شود فهمید که چرا از قرن چهارم به بعد در کلیسا رسم بر این شد که اسقفان را از میان راهبانی که در تجرد برای ملکوت خدا تقدیس شده‌اند برگزینند. همینطور می‌توان فهمید که چرا بعضی از کلیساها سنت قدیمی قدغن بودن هرگونه جابجایی اسقف از یک کرسی خلیفه‌گری به خلیفه‌گری دیگری را نگه داشته‌اند زیرا اسقف بسان داماد به عروس به کلیسای خود بسته شده است.

دنیا که ویژه جمعیت انسانی است» در کشوری که در آن زندگی می‌کند، همگون گردد. این کلیسا همچنین باید «جوهر پیام انجیل را از آن خود کرده بدون کوچکترین بی‌امانتی نسبت به حقیقت اساسی آن، آن را با محیط وفق دهد و به زبانی که انسانهای منطقه مربوطه درک می‌کنند سخن گفته انجیل را در آن زبان خاص بشارت دهد». (از سخنان حضرت پاپ پل ششم درباره «بشارت انجیل» شماره ۶۳)

ب) اسقف در کلیسای محلی

حضرت پولس رسول در اولین رساله خود خطاب به تیموتاوس چنین نوشت: «زنهار، از آن کرامتی که در تو است که به وسیله نبوت با نهادن دستهای کشیشان به تو داده شده بی‌اعتنایی منما» (اول تیموتاوس ۴:۱۳) و در رساله دوم خود به وی چنین نوشت: «به یاد می‌آورم که آن عطایای خدا را که به وسیله گذشتن دستهای من بر تو است برافروزی» (دوم تیموتاوس ۱:۶).

او همچنین مأموریت دستگذاری پیران (کشیشان) را بر عهده تیموتاوس می‌گذارد و می‌گوید: «دستها به زودی بر هیچکس مگذار» (اول تیموتاوس ۵:۲۲) و نیز می‌گوید که تعلیمات رسولان را به آنها بسپارد: «آنچه به شهود بسیار از من شنیدی به مردمان امین بسپار که قابل تعلیم دیگران هم باشند» (دوم تیموتاوس ۲:۲) و به تیموتاوس التماس می‌کند که «در افسس بماند» (اول تیموتاوس ۱:۳) تا این مأموریت انجام گیرد. بدین ترتیب در عهد جدید، در شخص تیموتاوس

داشته اند به قوم منتقل نماید. این همان انتقال حقیقت مسیح است که «سنت رسولی» نام دارد و اسقفان ضامن اجرای آن می باشند. جانشینی اسقفان در رأس کلیسایی که نسبت به تعلیمات رسولان وفادار مانده بلاانقطاع بوده و «خلافت رسولی» نامیده می شود. خلافت رسولی با اعلام حقیقت یعنی کلام خدا، نسلهای متوالی ساکن در یک محل را به هم پیوند داده و وحدت کلیسا را در طول زمان ضمانت می کند.

۳- وظیفه دارد که قوم خدا را با نانی تغذیه نماید که طی مجمع قربانی مقدس که وی در صدر^۴ آن قرار دارد از آسمان نازل شده و به دست شماسان توزیع می شود. حضور جانشین رسولان در صدر مجمع قربانی مقدس به معنای آن است که این مجمعی است که مسیح و رسولانش بنیان نهاده اند یعنی کلیسای واحد، مقدس، جامع و رسولی. اسقفی که تمام ایمانداران یک مکان را برای مشارکت در راز تن و خون مسیح جمع می نماید در حقیقت باید خود با تمام اسقف های کلیساهایی که در مکان های دیگر جمع می شوند در مشارکت باشد و به این ترتیب هم نماینده کلیسای خود در مقابل دیگر کلیساها و نیز نماینده کلیساهای دیگر در مقابل کلیسای خود می باشد. بدین سان اسقف ضامن وحدت کلیسا در مکانهای مختلف نیز می باشد.

بنابراین اسقف به عنوان مفصل اصلی بدن عیسی ظاهر می شود زیرا پیوستگی کلیسا را از لحاظ زمان و مکان تأمین می کند

۴- به همین دلیل اسم اسقف طی برگزاری آیین عبادت به جهت یادآوری مقام صدارت وی حتی در صورت غیبتش ذکر می شود.

آن را همانطور که پدر از طریق پسر مصلوب و رستاخیز کرده اش بنا نهاد با فروتنی پذیرفت (یوحنا ۱۹: ۳۳-۳۷؛ پیدایش ۲: ۲۱-۲۲). کلیسایی که عیسی بنیاد نهاد بایستی اسقفانی تقدیس شده توسط روح القدس داشته باشد تا بتواند قوم خدا را جمع نموده آن را به نام یگانه شبان بزرگ گوسفندان هدایت نماید (عبرانیان ۱۳: ۲۰). حال بهتر می توانیم درک کنیم که چرا کلیسا، مداوماً یادآوری می کند که برای اسقف هایمان دعا بخوانیم. زیرا وظیفه آنان انسانی نبوده و کلیسایی را که خدمت می کنند نهاد و سازمان تأسیس شده به دست انسانها نیست.

جوان: کلمه «اسقف» به چه معنی است؟

پیر: این کلمه از کلمه یونانی «اپیسکوپوس» (EPISKOPOS) می آید که از دو کلمه «اپی» و «سکوپوس» تشکیل شده که به معنای «مراقب، ناظر» می باشد، این معنای لغوی کلمه بوده اما در باره مفهوم آن، ژوستین قدیس (متوفی به سال ۱۵۵ میلادی) می گوید: اسقف کسی است که در مجمع قربانی مقدس بر صدر می نشیند و در شهری که ساکن است سه نوع وظیفه به عهده دارد:

۱- وظیفه دارد مانند موسی که قوم خود را از بیابان به سوی سرزمین موعود هدایت می کرد آن را به سوی ملکوت رهنمون گردد.

۲- وظیفه دارد که قوم را با کلام حقیقت تغذیه نموده («آنچه که از من آموختی به مردمان امین بسیار که خود آنها قادر به تعلیم دیگران هم باشند» دوم تیموتاوس ۲: ۲) و تعلیماتی را که رسولان از مسیح دریافت

که مسیحیان همیشه و در همه جا به آنچه مسیح و رسولان آموزش داده اند اعتقاد داشته باشند. شوراهای اسقفان باید منظم‌اً در سطح ملی یا منطقه ای گردهمایی داشته باشند.

از خیلی پیش، به دلیل جدایی میان کلیساها تشکیل یک شورای اسقفی واقعاً جهانی^۵ ممکن نبوده است. شوراهای بسیاری در دنیای غرب تشکیل گردیده که گرچه نتوانسته اند همه اسقفان کلیساهای جهان را گرد هم بیاورند اما از اهمیت بسیاری برخوردارند. آخرین شورای اسقفی یعنی «مجمع واتیکان دوم» (سال ۱۹۶۲-۱۹۶۵)، در بشارت انجیل و شکل گیری وحدت قابل رؤیت تمامی مسیحیان تأثیر بسزایی داشته است.

شوراهای اسقفان، حکومت بشری به وجود نمی آورند زیرا کلیسا دولت نیست و بنابراین حکومت مرکزی کلیسا نیز وجود ندارد. وحدت کلیسا، وحدت ایمانی و محبت و بینش عمومی از کلام خدای یکتا و بینشی است که توسط روح القدس اعطا شده. هنگامی که روح القدس واقعاً ضمایر همه و بویژه مجمع اسقفان را روشن می نماید و وحدت آرا را به وجود می آورد که «مشارکت روح القدس» نامیده می شود.

۵- در اینجا محل و تاریخ تشکیل هفت مجمع اسقفان که توسط کلیساهای روم و بیزانس به عنوان شوراهای جهانی بین‌الکلیسایی، به رسمیت شناخته شده اند ذکر می شود: ۱- نیقیه در سال ۳۲۵؛ ۲- قسطنطنیه در سال ۳۸۱؛ ۳- افسس در سال ۴۳۱؛ ۴- کالسدون در سال ۴۵۱؛ ۵- قسطنطنیه در سال ۵۵۳؛ ۶- قسطنطنیه در سال ۶۸۰؛ ۷- نیقیه در سال ۷۸۷.

(ر.ک کولسیان ۲: ۱۹). بدین جهت است که قدیس ایگناتیوس انطاکیه می گوید: «در جایی که اسقف هست در آنجا کلیسای کاتولیک نیز وجود دارد».

بدین ترتیب مجمع اسقفان جای مجمع دوازده رسول را می گیرد. این مجمع، «رسولی بودن» کلیسا یعنی مداومت حیات شما مأموریت و تعلیمات آن را از زمانی که رسولان خود هدایت آن را به عهده داشته اند تضمین می نماید.

ج) مشارکت اسقفان، مشارکت کلیساهای محلی

۱- شوراها

همه کلیساهای محلی با یکدیگر پیوند خویشاوندی دارند و مشارکت قابل تحسینی بین آنها وجود دارد که باعث می شود کلیسا به خاطر تنوع و در عین حال واحد بودن آن به صورت جهانشمول جلوه گر شود. به دلیل نیازهای مربوط به بشارت انجیل، اسقفها احتیاج دارند که بی وقفه به «آنچه روح القدس به کلیسا می گوید گوش فرا دهند» (مکاشفه ۲: ۱۷). برای این منظور، ایشان چه در دعا و چه در کار در سطح منطقه ای یا ملی و نیز در سطح جهانی در مجامعی که به آن شورای اسقفان می گویند گرد هم می آیند. شوراهای اسقفان رسالت دارند که «وحدت کلیساهای مقدس خدا» را جلوه گر سازند. این امر از طریق بیان وحدت و راستین بودن ایمان کاتولیکی تحقق می یابد با این هدف

متأسفانه، طی قرون متمادی، به دلایل گوناگون کلیساها درباره این موضوع متفق القول نبوده اند. بدون تردید یکی از دلایل اصلی این امر آن بود که بعضی اسقفهای روم، خدمت روحانی خود را به شیوه غیر انجیلی به انجام می‌رساندند. البته عوامل بیشمار دیگری از قبیل عوامل سیاسی، فرهنگی و عوامل مربوط به اصول عقیدتی، باعث شده اند که امروزه بسیاری از کلیساها چه در غرب و چه در شرق «رهبری در محبت» را که مسیح به کلیسای روم بر اساس به شهادت رسیدن پطرس و پولس در این شهر، واگذار کرد باز نشناسند. در عصر حاضر، نوعی تزکیه در قلبها و اذهان و نیز نوعی تعمق الهی که امکان درک بهتر امور را می‌دهد توسط روح القدس به انجام می‌رسد. بحق می‌توان امیدوار بود که روزی کلیسای روم، تمامیت رسالت خود را در هماوایی کلیساهای خویشاوند باز یابد و رسالت پاپ مجدداً پیاده گردیده به عنوان خدمت وحدت بخش برای عموم باز شناخته شود.

اقتدار مطلق در کلیسا واحد بوده و عبارت است از تجمع کلیه اسقفها. این اقتدار برحسب دو ویژگی می‌تواند ضمانت اجرایی داشته باشد: یکی جمعی (شامل تمامی اسقفها در شورا) و دیگری شخصی (و آن عبارت است از رسالت شخص پاپ به عنوان اسقف روم). این دو ویژگی نسبت به یکدیگر تابعیت تنگاتنگ دارند. اسقفها و پاپ باید همیشه متن قدیمی قانون ایمان رسولان «شماره ۳۴» را به خاطر داشته باشند: «باید اسقفهای هر منطقه بدانند که چه کسی از میان آنها شخص اول است و او را رئیس خود در نظر گیرند. بدون توافق او آنان نباید به

۲- کلیسایی که حضرت پطرس و پولس رسول بنا نهادند.

علاوه بر شوراهای اسقفان، مشارکت با کلیسای روم که توسط حضرت پطرس و پولس شهید بنیان گذاری شده وسیله دیگری است که مسیح به کلیسای خود اعطا کرده تا در وحدت زیست نماید.

همه می‌دانیم که چگونه عیسی پطرس را از بطن گروه دوازده رسول و جهت خدمت به آنان برای وظیفه ویژه ای برگزید. زمانی که پطرس ایمان خود را به اسم بقیه برادران خود اقرار نمود عیسی به وی گفت: «تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم...» (متی ۱۶: ۱۸). باز عیسی زمانی که به پطرس اعلام می‌کند که ایمانش را انکار خواهد نمود می‌گوید: «هنگامی که تو بازگشت کنی ایمان برادرانت را استوار نما» (لوقا ۲۲: ۳۲). عیسی بعد از رستاخیزش همه بره‌ها و بنابراین بقیه رسولان را به پطرس سپرد: «بره‌های مرا خوراک ده» (یوحنا ۲۱: ۱۵). از زمان پنطیکاست، پطرس جای مخصوصی در میان رسولان پیدا می‌کند: «پس پطرس با آن یازده برخاسته و آواز خود را بلند کرده...» (اعمال ۲: ۱۴).

کلیسا تا زمانی که حیات دارد به این خدمت که پطرس در جهت اتحاد و تثبیت ایمان جمع رسولان پذیرفت احتیاج دارد. کلیسای روم این خدمت را به ارث برده و اسقف آن که جانشین حضرت پطرس رسول است در خدمت جمع اسقفان می‌باشد.

در قرن دوم، قدیس ایگناتیوس اسقف انطاکیه، کلیسای روم را به عنوان کلیسایی که «رهبری محبت» را عهده دار می‌باشد باز می‌شناسد.

مشارکت بین کلیساها و اسقفان استان خود را ایجاد می‌کنند. پاتریارک‌ها مشارکت بین کلیساها، اسقفان و اسقفان اعظم منطقه خود را برقرار می‌کنند. و حضرت پاپ این مشارکت کل کلیساهای محلی را سرپرستی می‌کند که به همین علت به عنوان اسقف کلیسای کاتولیک، لقب «خادم خادمین خدا» به او داده شده است. بنابراین، زمانی که پنج پاتریارک بزرگ، با هم و با مشارکت یکدیگر و تحت سرپرستی اسقف روم، جانشین حضرت پطرس به سخن گفتن درباره ایمان می‌پردازند این مشارکت کاتولیک و جامع است به این معنا که همه کلیساها را شامل می‌شود و مانند مشارکت یک شورای جهانی بین‌الکلیسایی است اما به شکلی دیگر. همانطور که می‌دانیم این پنج مرکز اقتدار، شکل مورد نظر بعضی از کلیساهای شرق می‌باشد. در راستای همین سنت، مسئولیت‌ها نیز مشخص گردیده‌اند: اسقف مسئولیت حوزه اسقفی خود را دارد، مسئولیتی که نمی‌تواند اقتدار پاتریارک را محو کند. همچنان که اقتدار پاپ نباید بدون علت جدی جانشین اقتدار پاتریارک شود.

بطور گذرا به این مطلب بپردازیم که بدون اهمیت نیست که میان تصمیمات حضرت پاپ زمانی که به عنوان اسقف روم یا به عنوان اسقف اعظم استان یا به عنوان سراسقف اعظم ایتالیا یا به عنوان پاتریارک کلیسای غرب یا به عنوان جانشین حضرت پطرس می‌گیرد فرق قائل شد. این کاراز نظر وحدت مهم خواهد بود که همه را در یک سطح قرار ندهیم. توجه داشته باشیم که در دوران اولیه کلیسا، اسقف همیشه مسئولیت کلیسای محلی را بر عهده داشت، و اسقف اعظم همیشه در

هیچ کاری دست بزنند، حتی اگر مربوط به امور حوزه کلیسایی خود و قلمرو آن باشد. اما شخصی که رئیس و اول است نیز نباید بدون موافقت سایرین، کاری انجام دهد. بدین ترتیب است که هماهنگی و یکدلی حاکم شده و خدا توسط مسیح در روح القدس جلال خواهد یافت.»

طی قرون یکی از روشهای سنتی اعمال اقتدار کلیسا، علاوه بر شوراها، عمومی اسقفان که تحت صدارت پاپ تشکیل می‌شدند، چیزی است که آن را مراکز پنجگانه اقتدار می‌گویند. ما این مطلب را به این خاطر اینجا یادآوری می‌کنیم که برای این جستجوی مشارکت که مسئولان کلیسا را تشویق و تحریک می‌نماید دارای معنا و مفهوم می‌باشد. پنج کرسی پاتریارکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند نه به لحاظ اهمیت عددی آنها که ثانوی و موقتی است، بلکه به لحاظ اینکه توسط رسولان پایه‌گذاری شده و سنت آنان را به ارث برده‌اند. این کرسی‌ها عبارت بودند از کلیساهای روم که حضرت پولس و پطرس رسول بنیان‌گذاری کردند، کلیسای اورشلیم که گرد حضرت یعقوب جمع شده بود، کلیسای انطاکیه که توسط حضرت پطرس تأسیس گردید، کلیسای اسکندریه که اعلام می‌کند متعلق به حضرت مرقس است و کلیسای قسطنطنیه، مرکز امپراطوری روم شرقی، که اعلام می‌کند متعلق به حضرت اندریاس می‌باشد.

از دیدگاه مشارکت کلیساها چه چیزی را مشاهده می‌کنیم؟ اسقفان مشارکت کلیسای محلی را برقرار می‌کنند. مطران‌ها یا اسقفان اعظم

آن را رد نموده‌ام. از آن حضرت والا استدعا دارم از این به بعد این کار را انجام ندهید زیرا با زیاد اختصاص دادن به دیگری، از شما کاسته می‌شود. نمی‌خواهم از طریق کلمات، بزرگی بیابم بلکه از طریق اخلاق. بر خودم افتخار نمی‌دانم آنچه را که می‌دانم باعث ضربه خوردن به افتخار برادرانم شود. افتخار من توانایی و شهامت بسیار برادرانم است. در حقیقت افتخار من زمانی است که از هر کس افتخاری را که شایسته آن است دریغ نگرده. ولی اگر آن حضرت والا مرا پاپ جهانی خطاب کنند خودشان را از این جهانی بودن که به من اختصاص داده‌اند محروم می‌کنند. امیدوارم که چنین نباشد. باشد کلماتی که باعث تفاخر باطن و ضربه به محبت می‌شوند از بین بروند».

توجه داشته باشیم متن این نامه یک مورد استثنا نبوده و سنت کلیسا آن را به فراموشی نسپرده: مجمع اسقفان واتیکان اول (۱۸۷۰) در بخش مربوط به اقتدار پاپ جملاتی را که در نامه بالا زیرشان خط کشیده شده ذکر می‌کند.

د) یاوران اسقفان: کشیشان

کلمه کشیش که در زبان فارسی رایج است از نظر لغوی از کلمه «قشیشه» که واژه‌ای است آرامی به معنای «پیر»، گرفته شده. همین‌طور کلمات «قس» و «قسیس» در زبان عربی از همین واژه آرامی یعنی «قشیشه» اقتباس شده‌اند. این واژه آرامی در عهد جدید به زبان یونانی با کلمه «Presbyteros» ترجمه شده و از این کلمه واژه‌های

خدمت مشارکت استان خود بود. عناوین افتخاری که در رابطه با یک مسئولیت حقیقی در خدمت مشارکت کلیساها نیستند خطرناک می‌باشند. در واقع امیالی همچون غرور، جاه طلبی و قدرت طلبی توسط گناه چنان در انسان ریشه دوانیده که لزومی ندارد شیطان خود برای تبدیل خدمت در کلیسا به قدرت‌گرایی و فردیت و از بین بردن وحدتی که خداوند برای کلیسای خود خواست وارد عمل شود.

قدیس گرگوار کبیر که از سال ۵۹۰ تا ۶۰۴ پاپ روم بود شهادتی گیرا از این فروتنی و احترام دیگر مسئولان در اعمال این اقتدار، از خود باقی گذاشته است. عالیجناب «اولوژ» پاتریارک اسکندریه در نامه‌ای قدیس گرگوار را با لقب جهانی خطاب قرار دادند. حضرت پاپ جواب نامه ایشان را چنین دادند:

«آن عالیجناب بدین سان با من حرف می‌زند (همانطور که آن را الزام نموده‌اید). از شما می‌خواهم زمانی که درباره من حرف می‌زنید این کلمات را به کار نبرید زیرا واقفم از آنچه هستم و آنچه شما هستید. برحسب مقام، شما برادران من و بر حسب اخلاق، پدران من هستید. بنابراین نمی‌خواهم دستوری بدهم بلکه تلاش می‌کنم آنچه را که به نظر مفید می‌آید بیان نمایم. و در هر حال حس نمی‌کنم که آن عالیجناب دقت به خرج داده باشند که در حافظه خود نگه دارند آنچه را که می‌خواستم در آنجا نوشته شود. زیرا قبلاً گفته بودم که نه شما به من و نه کسی به کس دیگری نبایستی چنین خطاب کند. ولی اینک می‌بینم که در عنوان نامه شما این عنوان «فوق‌العاده» پاپ جهانی آمده، عنوانی که من

هر ایماندار از طریق تعمید در مسیح، در واقع کاهن می شود یعنی از طریق زندگی، صدقه، شهادت دادن تا حد شهید شدن و به ویژه با تسبیح و جلال دادنهایش «قربانی های روحانی» تقدیم می کند (رومیان ۶: ۱۳، ۱: ۱۲؛ فیلیپیان ۴: ۱۸؛ اول پطرس ۲: ۵). بدینسان چون در کهنانت مسیح شرکت می جوید می تواند برای خانواده یا نزدیکانش یا کسانی که با وی دارای فرهنگ مشترک هستند یا کسانی که با آنها برای همیشه وابستگی دارد میانجی باشد تا بتوانند راه نجات در مسیح را بیابند. بدین طریق کلیسا قوم کهنه ای است که متحد در شفاعت و قربانی مسیح می طلبد تا روح القدس آمده تمامی خلقت را تقدیس نماید. زیرا اوست یگانه برکت. کلیسا با نیایش و تقدسش، برای «جمع کردن همه چیز در عیسی مسیح» (افسیان ۱: ۱۰) همکاری می کند

جوان: اصلاً متوجه نمی شوم! آنچه می گویی با آنچه من می بینم تطبیق نمی کند. در کلیسای من این تعمید یافتگان نیستند که کار می کنند بلکه کشیشان. اگر تمامی قوم خدا، کاهن خلقت است آن وقت رسالت و مأموریت خادمین کلیسای ما که تو آنها را «کشیش و پیر» نامیدی چه می شود؟

پیر: منظورت را می فهمم و به خاطر عادتت که در جامعه ما رایج است بر اهمیت مسئولیت هر فرد تعمید یافته در بطن قوم خدا تأکید نمودم. ولی مطمئنی سؤال را درست مطرح کردی؟ تو گفتی «یا تمامی تعمید یافتگان کاهن هستند یا فقط پیران و کشیشان». به تو خواهم گفت: نگویم «یا این یا آن» بلکه «هم این و هم آن». تعمید یافتگان واقعاً به

«Priest» یا «Pretre» در زبانهای لاتین نشأت گرفته اند. آیا بهتر نخواهد بود که ما واژه ای فارسی تر مانند «پیر» به کار ببریم؟ آینده به ما نشان خواهد داد!

یادآوری ریشه واژه های بالا بر ما می نمایاند که کشیشان جوامع مسیحی دنباله رو «مشایخی» بودند که جوامع یهودی را هدایت می نمودند و غالباً «کاهنان» یهودی نامیده شده اند (در زبان آرامی «Kohen» و در زبان یونانی «hiereus»): در انجیل، آنان مورد انتقاد قرار گرفته و متهم می شوند که مسئولیت خاصی در محکومیت عیسی به مرگ بر عهده داشتند (لوقا ۱۰: ۲۹-۳۷؛ یوحنا ۱۱: ۴۷-۵۴). در جامعه یهود، «مشایخ» مسئولیت اجرای قوانین را بر عهده داشتند (خروج ۱۷: ۵-۶؛ اعداد ۱۱: ۱۶؛ اعمال ۲۲: ۵) در حالی که کاهنان مسئول اجرای آیین بودند. کاهنان در معابد قربانی حیوانات را تقدیم می کردند و قوم را برکت می دادند همان طور که سفر لویان بیان می کند. اما در عهد جدید چگونه است؟

واژه «کاهن» هرگز برای مسئول مسیحی به کار نرفته است. در عهد عتیق، کاهن اعظم میانجی خدا و انسانها بود و می بایستی شریعت قدیم را تعلیم دهد، قربانی قوم را به خدا تقدیم کند و برکت خدا را به قوم عطا نماید (لاویان ۹: ۲۳، ۱۰: ۱۰-۱۱؛ خروج ۲۹: ۳۸-۴۶). در عهد جدید عنوان کاهن به عیسی مسیح اختصاص داده شده (عبرانیان ۳: ۱، ۵: ۴-۵، ۹: ۱۱-۱۴؛ رک مزمو ۱۱۰). همین طور به قوم جدید خدا یعنی کلیسا (اول پطرس ۲: ۵، ۹؛ مکاشفه ۱: ۶، ۱۰: ۵، ۲۰: ۲۶؛ رک خروج ۵: ۱۹-۶).

تکالیف طوری هستند که کشیش قادر باشد با هر یک از ایمانداران تماس شخصی برقرار نموده کلام خدا و حضور آرامش بخش و بخشنده و التیام دهنده روح خدا را به نزد هر یک از بره‌ها ببرد، بره‌هایی که خداوند آنها را دوست می‌دارد و حزقیال نبی با متهم ساختن شبانان شریر درباره آنها چنین گفته است: «ضعیفان را تقویت نمی‌دهید و بیماران را معالجه نمی‌نمایید و شکسته‌ها را شکسته بندی نمی‌کنید و رانده شدگان را پس نمی‌آورید و گم شدگان را نمی‌طلبید... پس بدون شبان پراکنده می‌شوند و خوراک همه حیوانات صحرا گردیده و آواره می‌گردند» (حزقیال ۳۴: ۴-۵). به همین دلیل عیسی مسیح شبان نیکو است: «عیسی در همه شهرها و دهات گشته در کنایس ایشان تعلیم داده به بشارت ملکوت موعظه می‌نمود و هر مرض و رنج مردم را شفا می‌داد. چون جمعی کثیر دید دلش بر ایشان بسوخت زیرا که مانند گوسفندان بی شبان پریشان حال و پراکنده بودند آنگاه به شاگردان خود گفت: «حصاد فراوان است لیکن عمله کم پس از صاحب حصاد استدعا نمایید تا عمله در حصاد خود بفرستد» (متی ۹: ۳۵-۳۷). «از میان مردم اشخاص مجرد یا متأهل را انتخاب کن» (تیطس ۱: ۵-۹)^۶ کشیشان کارگرانی هستند که در اتحاد با اسقف، انجیل را برای همه جویندگان

۶- در کلیساهای شرق مردان متأهل برای کهنات پذیرفته می‌شوند: خاطر نشان می‌شود که ازدواج آنها باید یگانه بوده و قبل از دستگذاری وقوع یافته باشد. این قاعده در کلیساهای لاتین در قرن دهم تغییر داده شد و مجرد بر کشیشان اجباری شد. تمام کلیساهای قدیمی، متناسب و بجا بودن پاکدامنی و عفاف تقدیس شده خدمت رسولی

شیوه خود کاهن می‌باشند ولی بعضی از آنان جهت خدمت به این قوم کهنه دعوت شده‌اند تا مسئولیت دیگری را در جهت خدمت بر عهده گیرند. به یاد آور آنچه را که حضرت پولس رسول درباره تمامیت عطایا و تکالیف، در نتیجه تفاوت‌هایشان می‌گفت: «نعمتها انواع است ولی روح همان و خدمتها انواع است اما خداوند همان... آیا همه رسول هستند یا همه انبیا یا همه معلمان؟...» (اول قرنتیان ۱۲: ۴، ۵، ۲۹).

اگر درک نمودی که کلیسا مقدس است و هر شخص تعمید یافته به تقدس دعوت شده، جواب سؤال واضح است. معمولاً تقدس از جانب خدا می‌آید ولی البته نه به نحوی منفرد و مستقیم. خدا ما را محبت می‌نماید تا آن حد که خواست محتاج تعمید یافتگان جهت نجات دنیا باشد و همچنین محتاج «پیران و کشیشان» جهت آزاد نمودن و تحقق بخشیدن حضور روح قدوس و تقدیس کننده در قلب هر مسیحی و در جمع قوم خدا باشد.

در حالیکه اسقف نقشی مشابه نقش موسی است نسبت به قوم یهود به هنگام پیشروی در صحرا به سوی سرزمین موعود را به عهده دارد نقش کشیشان مشابه نقش ۷۵ تن «مشایخی» می‌باشد که خدا درباره آنها به موسی چنین گفته بود: «از روحی که بر تو است گرفته بر ایشان خواهم نهاد تا با تو متحمل بار این قوم باشند و تو به تنهایی متحمل آن نباشی» (اعداد ۱۱: ۱۷).

کشیشان تحت نظارت وحدت بخش اسقف تکالیفی را به گرد وی انجام می‌دهند که کم و بیش به تکالیف خود وی شباهت دارند اما این

رنجدیده» را که اشعیای نبی درباره اش چنین گفته بود: «بنده عادل من به معرفت خود بسیاری را عادل خواهد گردانید» (اشعیای ۵۳:۱۱) ادامه دهند.

در ابتدا، هفت شماس مأمور شدند به هنگام صرف غذای جماعت مسیحیان «مائده‌ها را خدمت کنند» (اعمال ۶:۲)، «زیرا بعضی بیوه زنان در خدمت یومیه (تقسیم خوراک روزانه) بی بهره می ماندند» (اعمال ۶:۱) تا رسولان بتوانند خود را به عبادت و خدمت کلام بسپارند (اعمال ۶:۴).

بنابراین مأموریت زیبای شماسان عبارت است از خدمت به فقرا و نیز خدمت بر سر مائده نان و شراب، یعنی توزیع خوردنی‌های دنیوی به فقرا و نان آسمانی به ایمانداران در مراسم راز نان و شراب و نیز خدمت کلام خدا.

نتیجه‌گیری: اقتدار عیسی و اطاعت از عیسی

ما می‌خواهیم شاگردان عیسی مسیح بشویم. شاگرد حقیقی کلام استادش را گوش می‌دهد و با محبت از او اطاعت می‌کند.

«خداوند یهوه... هر بامداد بیدار می‌کند،

گوش مرا بیدار می‌کند تا مثل شاگردان بشنوم.

خداوند یهوه گوش مرا گوشود و مخالفت نکردم و به عقب برنگشتم» (اشعیای ۵۰:۴-۵).

همانند عیسی، پسر یگانه که اراده پدر را تا به صلیب انجام داد

اعلام و گفته‌های عیسی را به تمام رنجدیدگان یادآوری می‌کنند: «بیایید نزد من ای تمام زحمت‌کشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود بگیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حلیم و افتاده دل می‌باشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک» (متی ۱۱:۲۸-۳۰).

ه: شماسان

واژه شماس که از زبانهای سامی گرفته شده در زمانهای قدیم به خادمین آیین خورشید پرستی (شمس) اطلاق می‌شد. در عهد جدید به زبان یونانی واژه «diacon» به کار رفته که به معنای خادم است. شماسان به خدمتگزاری دعوت می‌شوند تا خدمت عیسی «خدمتگزار» را که پاهای شاگردان خود را شست و نیز خدمت «خادم

را که نشانه حضور یگانه داماد در کنار عروسی می‌باشد به رسمیت شناخته‌اند. به همین دلیل زمانی که زن یک کشیش فوت می‌نمود او نمی‌توانست دوباره ازدواج کند. دلیل قوی‌تر که می‌توان ارائه داد این است که از قرون اولیه، کلیساهای قدیمی همیشه اسقف خود را از میان راهبان انتخاب می‌نمودند. با این حال، کلیساهای شرق سنت قدیمی تمام کلیساهای را نگه داشته‌اند: آنها کهنات شبانی را به مردان ازدواج کرده اعطا می‌نمایند. این سنت بر این امر غیرقابل انکار قرار گرفته است که: کلیسا به قربانی مقدس احتیاج مبرم دارد بنابراین از میان فرزندان، بهترین، شایسته‌ترین و آماده‌ترین فرزند خود را انتخاب نموده به اسقف پیشنهاد می‌دهد تا راز کهنات را به او عطا کند زیرا کلیسا به این خدمت احتیاج مبرم دارد.

خدا را که ما در مشارکت با خودش و مشارکت با یکدیگر نگاه می‌دارد تشخیص دهند. این تشخیص یکی از وظایف مهم ولی ظریف و دقیق اسقفان و همکارانشان می‌باشد.

جوان: بله، آنها شبانان می‌باشند و ما گوسفندان...

پیر: شاید بدون اینکه جرأت بیان آن را داشته باشی فکر می‌کنی: «ما گوسفندان بی‌زبان هستیم که کاری جز اطاعت کردن نداریم...» اما این تحریفی است از اقتدار همانند اطاعت در کلیسا. همگی ما، چه اسقف و چه کشیش، یا ایمانداران معمولی، قبل از هر چیز شاگردانی هستیم که با هم اراده عیسی را جستجو می‌نماییم و تمسید شدگانی هستیم که روح القدس را دریافت نموده ایم پس می‌توانیم در این تشخیص اراده خدا در زندگیمان و نشانه‌هایی که خدا به ما می‌دهد شرکت نماییم. پس هیچ تمسید یافته‌ای در کلیسا نمی‌تواند منفعل و خاموش باقی بماند. ما تحت نیروی محرکه روح القدس یکدیگر را متقابلاً به شنیدن کلام عیسی بنابراین یافتن اراده پدر، تشویق و تحریک می‌کنیم: به همین علت قبل از هرگونه تصمیم مسئولان، گفت و شنود و مشورت برای تشخیص، ضروری و لازم می‌باشد همچنان که سکوت و دعا لازمند. اما به عهده مسئول است که در اطاعت از اراده خدا تصمیم‌گیری کند همانطوری که شاگرد بایستی با ایمان، اراده خدا را که توسط مسئول مربوطه روشن شده بشنود. زیرا کار خدا در تجزیه طلبی تحقق نمی‌پذیرد بلکه بر طبق مسئولیت‌هایی که هر یک از ما در جای خودش، در فروتنی و اطاعت مشترک از اراده یگانه استاد پذیرفته‌ایم. حضرت پولس رسول ما را به

شاگردش نیز همان کار را در رابطه با کلام انجام می‌دهد: «همچنان که پدر مرا محبت نمود من نیز شما را محبت نمودم، در محبت من بمانید.

اگر احکام مرا نگاه دارید در محبت من خواهید ماند

چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته‌ام

و در محبت او می‌مانم» (یوحنا ۱۵: ۹-۱۰).

این چنین است رفتار عیسی پسر یگانه تا به صلیب:

«هر چند پسر بود به مصیبت‌هایی که کشید

اطاعت را آموخت و کامل شده

جمیع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت» (عبرانیان ۵: ۸-۹)

همچنین رفتار فرزند خواندگان این چنین است تا در مشارکت باقی

بمانند. آنها از او امر خدا اطاعت می‌کنند اما نه به خاطر قانون و اجبار.

جوان: البته این تعریف از شاگرد و اطاعت فرزندان برای من بسیار

خوشایند است. اما چگونه اراده پدر را تشخیص دهیم تا بتوانیم فرزندان

او بمانیم؟

پیر: همانطور که می‌دانی، عیسی ما را در کلیسایی که خودش

پایه‌گذاری نمود گرد هم آورد و روح القدس بر آن قرار داد تا همگی با

هم به دنبال او برویم. در کلیسا انجیل را به ما داد تا به او گوش دهیم و به

شیوه‌ای حقیقی کلام او را کشف نماییم. به علاوه در کلیسا ما را به دست

شبانانی سپرد که خود آنها را انتخاب و تقدیس نمود تا مجمع فرزندان

خدا را سرپرستی و هدایت نمایند و نیز تا همراه آن و برای آن، اراده

چنین اطاعت متقابلی سفارش می‌کند: «همدیگر را در خداترسی اطاعت کنید» (افسیان ۵: ۲۱).

مسئول یاد خواهد گرفت که چگونه با نگاه کردن به عیسی عمل کند: زمانی که شاگردان گم می‌شوند، او می‌داند با چه روشن بینی و توانایی آنان را بازیابد (برای مثال رفتار عیسی نسبت به پطرس: متی ۱۶: ۲۳ و یوحنا ۲۱: ۱۵)، او با فروتنی پاهایشان را می‌شوید و بدینسان کلیسا را در وحدت گرد هم می‌آورد (یوحنا ۱۳: ۴). بر عکس، غرور رحبعم پسر سلیمان و کمبود مشورتش با پیران قوم باعث به وجود آمدن انشقاق و تفرقه‌ای دردآور در میان قوم خدا گشت. (اول پادشاهان ۱۲ و ۱۳).

ایماندار معمولی نیز یاد خواهد گرفت که همیشه با ایمان بیشتری خدا را اطاعت کند، او با شرکت در تشخیص اراده‌ی خدا، زمانی که تصمیم توسط مسئول گرفته شد می‌پذیرد که خدا از انسان فقیری استفاده می‌کند تا اراده‌اش را برای ما بیان کند، طبق کلام عیسی به شاگردانش:

«هر که به شما گوش دهد، به من گوش داده است

هر که شما را رد کند مرا رد کرده است

و هر که مرا رد کند فرستنده‌ی مرا رد کرده است» (لوقا ۱۰: ۱۶)

بدین طریق اقتدار به نام یگانه شبان انجام می‌گیرد و اطاعت از اراده‌اش مانند هر اطاعتی، تنها اطاعت از مسئول نیست بلکه توسط میانجی او، اطاعت از خداست.

توسط اطاعت در بطن کلیساست که ما در مشارکت با خدا و با

یکدیگر باقی می‌مانیم